

زندگی، اندیشه و آثار محمد باقر کمره ای (۱۲۸۴ - ۱۳۷۴)

رسول جعفریان

محمد باقر خمینی کمره‌ای (فرزند محمد) (۲) متولد سال ۱۳۲۳ ق (درروستای ورآباد خمین) از علمای مشهور و از نویسندگان بنام دهه بیست به بعد است که افزون بر قلم زدن در عرصه دین و سیاست دینی، و نیز ترجمه متون کهن حدیثی به فارسی، درباره مسائل و مباحث اجتماعی و سیاسی از دیدگاه اسلام نیز فعال بود و می‌کوشید تا هماهنگ با زمان از اسلام یک دین سیاسی و اجتماعی راهگشا برای دشواری‌های جهان معاصر ارائه دهد. این مقاله به بررسی زندگی، اندیشه و آثار او می‌پردازد.

محمد باقر خمینی کمره‌ای (فرزند محمد) (۲) متولد سال ۱۳۲۳ ق (درروستای ورآباد خمین) از علمای مشهور و از نویسندگان بنام دهه بیست به بعد است که افزون بر قلم زدن در عرصه دین و سیاست دینی، و نیز ترجمه متون کهن حدیثی به فارسی، درباره مسائل و مباحث اجتماعی و سیاسی از دیدگاه اسلام نیز فعال بود و می‌کوشید تا هماهنگ با زمان از اسلام یک دین سیاسی و اجتماعی راهگشا برای دشواری‌های جهان معاصر ارائه دهد.

مرحوم کمره‌ای که تا سال ۱۳۷۴ ش در قید حیات بود، در اصل از همشهری‌ها و همدوره‌ای‌های امام خمینی بود که پا به پای ایشان در حوزه درس آیت الله حائری در اراک و سپس قم تحصیل کرد؛ اما حوالی سال ۱۳۰۸ قم را به قصد تحصیل در عتبات ترک کرده راهی نجف شد و در آنجا نزد آیات: سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی و محمد حسین اصفهانی به تحصیل در فقه و اصول پرداخت. وی همزمان به مطالعه آثار عربی منتشره در بلاد عربی به خصوص در زمینه‌های اسلامی علاقه‌مند بود، چندان که به سرعت خود را با شرایط آنها نزدیک کرد و آثاری به همان قلم در عتبات تألیف و به چاپ رساند. گویا درست در ایامی که رضاشاه از ایران رفت، به کشورش بازگشت و در تهران ساکن شد. چنان که از زندگینامه وی به دست می‌آید اقامت وی در تهران در سال ۱۳۲۰ ش بود. وی به سرعت دست به کار فعالیت‌های علمی و نگارشی و مطبوعاتی زد و تا سال ۱۳۲۴ چندین اثر از خود به چاپ رساند. (۳)

شرح حالی که مرحوم واعظ چرندابی در سال ۱۳۲۴ ش در مقدمه یکی از آثار مرحوم کمره‌ای برای ایشان نوشته است و قاعدتا باید بر اساس اطلاعاتی باشد که از خود او گرفته می‌تواند گاهشماری دقیقی در باره دوران زندگی وی تا اوان اقامت او در تهران باشد. عبارت چرندابی چنین است:

[ایشان] در سال ۱۳۲۳ هجری قمری (۱۲۸۴ ش) در ولایت «کمره» میان یک خانواده علمی به دنیا آمده و در آغوش محبت مادری که دلش از مهر خداوند و عشق اسلام لبریز بوده پرورش یافته، و پدری دانشمند و پاکدل به نام آشیخ محمد باسعی وافر به تعلیم و تربیت او پرداخته، ایزد پاک قریحه سرشار و فکر تابناکی به وی ارزانی داشته که با عشق به تحصیل دانش‌ها همدوش و توأم بوده و در هیجده سالگی پس از اتمام مقدمات و مقدار کافی سطوح فقه و اصول که پیش پدر دانشمندش یاد گرفته بود، به عنوان ادامه تحصیلات خود به سوی اراک رهسپار و پس از شش ماه اقامت در آنجا به طرف بلده طیبه قم که از مراکز علمیه مهمه به شمار است، مهاجرت نموده و تا سال ۱۳۴۷ در آن صفحات سکنا گزیده و از اساتید وقت ویژه حضرت آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (قدس سره) (۱۳۵۵ - ۱۲۷۶ق) در زمینه فقه و اصول استفاضه بسزا کرده تا موفق به تحصیل اجازت اجتهاد گردیده، و در طی توقف، رشته فلسفه و ریاضیات را نیز از اساتید مبرز تعقیب نموده و قریب یک سال هم دراصفهان محضر درسی و خصوصی حجت الاسلام مسجد شاهی - نویسنده کتاب نقد فلسفه داروین - را درک و از مصاحبت جمعی از علمای نخبه و دانشمندان متنوع آن سامان برخوردارگشته، و در این هنگام بوده که به تالیف کتب فقه و اصول و به تنظیم کتب و مقالات اجتماعی پرداخته، کتابی به نام «فوائد ربیعیه» در حل مشکلات مسائل فقه و اصول، و کتابی به نام «ایقاظ البشر» در علم اجتماع و فلسفه نشوء و ارتقاء، و کتابی به نام «السیف المشهر فی تحقیق اسم المصدر» به رشته تألیف و نگارش درآورده، تا سال ۱۳۴۹ قمری (مطابق ۱۳۰۸ شمسی) محض تکمیل تحصیلات خود عازم عتبات عالیات گردیده و در حوزه‌های علمی نجف اشرف که بزرگترین مراکز علمیه به شمار می‌رود، حضور به هم رسانیده و از محاضر مشاهیرمدرسین این دارالعلم استفاده شایان نموده تا سال ۱۳۱۲ خورشیدی به اخذ اجازات اجتهاد از مجتهدین والا مقام آن خطه پاک نیز نایل آمده است.

سپس سفری به ایران کرده و وسایل حج را فراهم آورده و از راه جَبَل به مکه معظمه تشرّف جسته و چند ماه در مکه و مدینه توقف نموده و به حفظ قرآن پاک و تکمیل اطلاعات اسلامی خویش پرداخته و بعد از هشت ماه به نجف اشرف برگشته و به تألیف کتاب نفیس‌الدین فی طور الاجتماع و کتاب فروع الدین آغاز و به تدریس علوم مختلفه اشتغال ورزیده و اکثر اوقات خود را در زاویه‌های مسجد سهله و کوفه بسر برده و این دو کتاب نامبرده، از برکات این گوشه خلوت به حساب رفته و تا سال ۱۳۱۹ شمسی هجری (به جز از سفری که در طی این مدت به خراسان رخ نموده) در عتبات عالیات رحل اقامت افکنده است و یک دوره کامل در اصول فقه تنظیم نموده است. (۴)

درباره وی دوران تحصیل او در اراک و قم، اشاراتی در خاطرات آقای مسعودی خمینی هست. از جمله آن که وی اهل ورآباد خمین بوده است. همچنین ایشان از قول امام خمینی نقل کرده است که فرمودند: در اراک که بودم درس رسائل را خدمت استادی تلمذ می کردم. منتها بعضی روزها به درس نمی‌رفتم و خودم مطالعه می‌کردم و بدون نیاز به استاد متوجه می‌شدم که منظور کتاب چیست. آقای میرزا محمدباقر کمره‌ای هم به قدری استعداد داشت که بدون شرکت در درس و به صورت مطالعه شخصی مطالب کتاب را درک می‌کرد و حتی از خود استاد هم بهتر می‌فهمید. (۵)

مرحوم کمره‌ای در مقدمه کتاب فقه فارسی خود اجازات اجتهاد خویش را از مراجع وقت عینا آورده است. این اجازات از آیات: ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی، و حاج آقا ضیاء عراقی از علمای نجف است. دو اجازه هم یکی از حاج شیخ عبدالکریم حائری و حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی از مراجع وقت قم آورده‌اند. دو اجازه دیگر یکی از مرحوم آقا محمدرضا مسجد شاهی و آقا میرزا محمد صادق اصفهانی از مراجع وقت اصفهان در آنجا به چاپ رسانده‌اند. ایشان هم متن عربی و برابر آن ترجمه فارسی را طی صفحاتی چند در مقدمه جلد اول فقه فارسی آورده‌اند. در پایان آیت‌الله کاشانی هم متن آن اجازات را تأیید کرده‌اند.

آثار تألیفی وی در نجف

وی در نجف برخی فعالیت‌های نوشتنی داشته است. از آن جمله یکی فصل الخصومة فیالورود و الحكومة است که روی جلد آن از مؤلف چنین یاد شده است: «العلامة حجة الاسلام الحاج ميرزا محمد باقر». ضمیمه آن رساله دیگری با عنوان «فوائد اصولية و رسالة في تحقيق اسم المصدر». تاریخ چاپ این کتاب ۱۳۵۴ در مطبعة الراعی در نجف اشرف است. (۶)

اما اثر مهمی که در این سالها از وی در نجف، توسط همان مطبعة الراعی چاپ شده، کتاب «الدين في طور الاجتماع» است که در دو جلد منتشر شده است. روی جلد آمده است: «الدين في طور الاجتماع»، يبحث عن فلسفة الاجتماع العام و نظام الدين في الاسلام. تأليف الميرزا محمد باقر الخميني العراقي. سال چاپ کتاب ۱۳۵۶ ق (۱۳۱۶ش) است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و از نثر آن چنین معلوم می شود که نویسنده کاملا به عربی وقت عراق تسلط داشته و کتابش را بسیار سلیس و روان تألیف کرده است. بخش اول از مجلد اول آن ۱۴۸ صفحه وزیری و بخش دوم از مجلد اول ۱۷۶ صفحه در همان قطع است. (۷) برای شناخت اندیشه‌های وی مروری بر مهم‌ترین عناوین این کتاب داریم:

مجلد اول کتاب شامل ۱۲ مقاله و یک خاتمه است با این عناوین:

المقالة الاولى: في تشخيص ماهية الاجتماع و بيان حقيقة الوحدة في الجمعية.

الثانية: في روح الاجتماع و انه كيف يجرى في عروق الافراد.

الثالثة: في تشخيص روح الاجتماع في النظام الديني.

الرابعة: في بيان ناموس العصبية و القومية و قصوره في تنظيم صلاح البشر.

الخامسة: في ناموس الوطنية و بيان خسران ابناءها المغرورين بها.

السادسة: في تفسير يا ايها الناس: اني رسول الله اليكم جميعا.

السابعة: في نظام المدنية مرهون بالشعوبية العلمية.

الثامنة: تشخيص موضوع الشرافة و الامتياز الاجتماعي.

التاسعة: العضو العاطل مضر بالمجتمع.

العاشرة: ناموس النماء الاجتماعي.

الحادية عشر: ناموس الارتزاق الاجتماعي.

الثانية عشر: العشق الصادق و الدعوى الكاذبة.

الخاتمة : نظام الاصناف.

مجلد دوم این کتاب با عنوان «سِفْرُ النبوات» شرحی است از سیره انبیاء در اصلاح. وی با اشاره به دشواری‌های فکری پدید آمده در قرن بیستم و آثار منفی آن در ایجاد پراکندگی و اختلاف می‌نویسد: و قد وضعنا کتابنا «الدين في طور الاجتماع» تبشیرا لهذا الاتجاه الفكري العام الساري في قلوب الملل المتفرقة و تبیاناً لمجرى الحياة العامة التي يسير الكون اليها بعوامل شتى شديدة التأثير في ميدانها و خصنا قسما منها بشرح سيرة الانبياء و رجال الاصلاح لعام و سميناه سفر النبوات (مقدمه ص ۷).

نثر کتاب به همین شکل تا به آخر ادامه یافته و نشان می‌دهد که مؤلف توان بالایی در نگارش به عربی روز داشته است. وی در مقدمه جلد دوم شرح می‌دهد که مجلد اول را در سال ۱۳۵۴ ق (۱۳۱۴ش) چاپ کرده و سال بعد آن به سفر حج مشرف شده و از صحرای نجد به استشمام فضای روحانی و ملکوتی حرمین پرداخته و اکنون در بازگشت، مجلد دوم را تقدیم کرده‌است. وی می‌گوید که پس از دیدن حرمین اسلامی فراوان در آنجا اکنون شوق بیشتری در انتشار این جزء دارد. بخش مفصلی از مجلد دوم در سیره حضرت محمد (ص) است. در ادامه از تاریخ زندگی مسیح (ع) و پس از آن از زندگی حضرت موسی (ع) سخن گفته شده‌است. یک بخش از این مجلد (صص ۹۸ - ۱۰۵) هم اختصاص به حجاب النسوان دارد که بحث روز بوده است. #

از آنچه گذشت، چنین به دست می آید که تا این زمان وی آثاری در نجف نوشته بود که نشان

می داد در فضای فکری جدید قرار گرفته و علاقه مند بوده است تا در جریان احیای افکار دینی در ایران که با رفتن رضاشاه وضعیت مناسبی در آنجا پدید آمده بود، نقشی فعال برعهده گیرد. به همین دلیل بود که به محض ورود به تهران، همکاری خود را با جریان های اسلامی نوین آغاز کرد و با افراد و تشکل های مختلف به همکاری پرداخت. این زمان نام او رانه تنها در زمره نویسندگان مرتب مجله آیین اسلام می بینیم بلکه در بسیاری از نشریات دیگر سهمی ارجمند از وی را ملاحظه می کنیم. وی در این سالها چندین کتاب را نیز نوشت که آقی چرندابی شرح آنها را در سال ۱۳۲۴ چنین می نویسد:

۱ - فوائد ربیعیه، ناتمام.

۲ - ایقاز البشر.

۳ - اصول الفوائد الغرویه، دوره کامل. (۸)

۴ - حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (قدس سره).

۵ - حاشیه بر کفایه.

۶ - العناوین و المباحث، فقه استدلالی عربی مطهرات.

۷ - الدین فی طور الاجتماع.

۸ - فصل الخصومه فی الورد و الحکومه به پیوست السیف المشهر (چاپ نجف).

۹ - روحانیت و اسلام که دارای چندین بخش است و اسلام را از نظرهای مختلف مورد بررسی قرار داده و در

نتیجه ثابت می کند که دین پاک اسلام برای برآوردن نیازمندیهای جهان امروزی کفایت می نماید. (۹)

ترجمه «کتاب الحسین (ع)» عبدالله غلایلی

یکی از کارهای علمی کمره‌ای ترجمه کتاب تاریخ الحسین (ع) از عبدالله العلالی، نویسنده و ادیب معروف مصری است. علایلی این کتاب را در دورانی نوشت که جهان عرب در التهابات سیاسی خاصی بسر می‌برد و زمینه برای نشر برخی از حقایق تاریخ اسلام آشکار شده و آثاری با گرایش معتدل سنی در مصر پدید آمده بود.

مرحوم کمره‌ای کتاب علایلی را در دو مجلد ترجمه کرد. جلد نخست آن که در کاظمین ترجمه شد با نام همّت بلند، پرتوی از زندگانی حسین بن علی (ع) بود که ترجمه کتاب سمو المعنی فی سمو الذات، اشعة من حياة الحسين بود. این کتاب توسط کتابفروشی و چاپخانه مرکزی چاپ شد و روی جلد از مترجم به نام «محمد باقر خمینی» یاد شده بود. تاریخی که در انتهای مقدمه آمده است ۲۲ جمادی الثانیه سال ۱۳۵۹ ق (۱۳۱۹ ش) در کاظمین است.

جلد دوم این کتاب با نام تاریخ حسین بن علی علیه السلام بود که توسط شرکت سهامی چاپ فرهنگ ایران در سال ۱۳۲۴ چاپ شد و مرحوم واعظ چرندابی تبریزی مقدمه‌ای در شرح حال مرحوم کمره‌ای بر آن نوشت.

می‌دانیم که کتاب علایلی به لحاظ ادبی بسیار دشوار و ادیبانه نوشته شده بود و ترجمه آن به فارسی جز از کسی که تسلط بر آن داشت ممکن نبود. با این حال روشن است که نمی‌توانست فارسی بسان نثر عربی چندان ادیبانه باشد. یک نمونه چنین است: جانی از آن تن پاک در هوا پرید که تا همیشه با آن دورنمای هراس آور خود ستمکاران را شکنجه کند، و یک خواب‌های هولناکی در سر جفاکاران پدید آرد. ناله‌هایی از آن گلوی بریده برآمد و عالم غیب آنها را در بر گرفت تا برای کر کردن گوش مستبدان اندوخته باشد. شیون‌هایی بلند شد که شب آنها را پاسبانی کرد تا یک جنجالی چون آواز زنجیر بلند کند و دل گمراهان را جا کن کند. (۱۰)

کتاب «روحانیت و اسلام»

یکی از کارهای بدیع کمره‌ای نگارش کتابی با نام روحانیت و اسلام بود. این اثر را باید یکی از نخستین آثاری دانست که در باره نظام سیاسی اسلام در دوره جدید و پس از آغاز حرکت احیاء دین در دوره پس از رضاخان نوشته شده است. اثر یاد شده همزمان شرحی از فقه سیاسی و اقتصادی اسلام است که مؤلف ضمن آن تلاش می‌کند تا پایه‌های حکومت اسلامی را در این بخش‌ها روشن سازد. این کتاب در دو جلد و با همت انجمن تبلیغات اسلامی منتشر شد. (۱۱)

به طور کلی می‌توان موضوع این کتاب را شرح نظریه اسلام در باب حکومت اسلامی وارکان آن دانست. عنوانی که به بخش نخستین داده شده این است: اسلام و جهان قرن بیستم. مقدمه کتاب توسط بانی انجمن تبلیغات اسلامی یعنی شهاب پور نوشته شده و ضمن آن از آیت الله محمد باقر کمره‌ای به عنوان یکی از «مجتهدین و مفکرین بزرگ شرق و مصلحین اجتماعی و دینی و مفاخر اسلامی و ایرانی» یاد شده است. چنان که ایشان اشاره کرده کسانی تصور می‌کنند «اسلام دین کوتاهی است» یا به تعبیر امروز حداقّلی. برخی هم چنان گمان می‌بردند که «قوانین سیاست و اجتماعی به یک دوره مخصوص یا به یک جمعیت مخصوص نظر داشته است». این کتاب برای پاسخگویی به این گمان‌های باطل و با این هدف نوشته شده است که «عمومیت اسلام و دستورات آن را مُبرهن و ثابت نماید و کاملاً روشن کند که تشریعات و قوانین اسلام برای همه کس و همه وقت بوده» و «اسلام، یکتا دینی است که می‌تواند پاسخ به همه سؤالات معقول جامعه بشری بدهد». «اسلام همه مشکلات زندگانی بشر امروز را زیر نظر داشته، اسلام در همه این مشکلات چاره‌جویی کرده و بهترین راه را نشان داده» است.

برای نشان دادن محتوای این کتاب بهتر است مهم‌ترین عناوین آن را بیاوریم:

تشکیلات کشوری جهان؛ احساسات روحانی بشر؛ بشر از احساسات روحانی خود چه نتیجه می‌گیرد؛ مشکلات مجتمع بشری؛ برنامه اجتماعی اصلاحی برای اسلام در حل این مشکلات؛ راه تولید نشاط در تاریخ اسلام؛ ریشه‌های نظام مدنی و اخلاقی اسلام؛ تابلو کلیات قانونی اسلام؛ تاثیرات سرمایه داری در جامعه بشری؛ نظریه اسلام در مسلک سرمایه‌داری و اصلاح آن؛ در اختصاص زناشوئی و تشکیلات خانوادگی؛ برنامه جامع

اسلام در رفع این مفسد؛ محاکمه راجع به بانوان در نظر اجتماعی اسلام؛ قانون مدنی اسلام با فرزند؛ عفت در نظر اسلام؛ اسلام و تشکیلات آن؛ تشکیلات فرهنگی و برنامه آن در اسلام؛ تشکیلات جنگی در اسلام؛ آغاز جنگ بدر؛ تشریح قانون آموزش و پرورش نظامی.

ادامه این عناوین بحث تفصیلی مؤلف را از نظام نظامی‌گری در اسلام بر اساس تاریخ جنگ‌های پیامبر (ع) را ارائه می‌دهد. این مجلد ۲۶۸ صفحه ادامه پیدا می‌کند.

مجلد دوم در باره نظام اقتصادی و قضایی اسلام است که فهرست مطالب آن در پایان جلد اول آمده و از مطالعه کنندگان مجلد اول خواسته شده است تا نظرشان را نسبت به آن مطالب پیش از چاپ جلد دوم ارائه دهند. گفتنی است که مجلد دوم به عنوان بخش دوم از جلد اول چاپ شده و من اطلاعی ندارم که مجلدی به عنوان مجلد دوم از آن منتشر شده است یا نه. عناوین مهم این مجلد که عمدتاً اقتصادی و قضایی است چنین است:

اهمیت اقتصاد در تاریخ جهان؛ آزادی ارز بازار؛ جریان و گردش ثروت؛ گردش سرمایه و پول؛ اعتبار و تعهد؛ تشکیلات اقتصادی در اسلام؛ تشکیلات فرمانداری و کارگزاری در حکومت اسلامی؛ تشکیلات عمران و آبادی در اسلام؛ قوه قضائیه در اسلام؛ مجازات و کیفر در اسلام.

در بخش تشکیلات عمران و آبادی، با اشاره به سیره پیامبر (ص) در تأسیس حکومت در مدینه و مراحل آن، یکی از ارکان آبادی را تشریح قانون هجرت دانسته و ذیل آن می‌نویسد: هجرت در اسلام رمز مدنیت و تشکیل اساس عمران و آبادی است. پیغمبر اسلام خواست عربان بیابانگری که پایه زندگانی خود را روی صحرانوردی قرار داده و دسته‌های چادر نشین خانه به دوش به وجود آورده بودند و دنبال چراگاه‌های باران‌گیر به هر سو می‌دویدند و برای چاه و چشمه آب و مرتع و گیاه بیابان خون همدیگر را می‌ریختند و غارت‌گری و چپاول را یکتا پشتیبان زندگانی و فضیلت مردانگی خود می‌دانستند، گرد یکدیگر جمع شوند و ده و شهر بسازند و قبایل مختلفه با هم بیامیزند تا خوی بیابان‌گردی از مغز آنان بیرون رود و تعصب ایلی از

سر آنان بدر شود و به جای آن یک عاطفه خیرخواهی مطلق که نتیجه پرورش دین است جای‌گیر و زندگی آنها به کارهای اجتماعی و صنعتی و پیشه‌وری و بازرگانی که مبادی تمدن است بپیوندد. (۱۲)

تلاش برای ترویج فقه فارسی مستدل

یکی از کارهای کمره‌ای پس از بازگشت به ایران، آن هم در شرایط حساس کشور که دین‌زیر فشار گروه‌های کمونیست و لائیک، نگارش فقه فارسی با مدارک آن بود. شهاب پور بنیانگزار انجمن تبلیغات اسلامی و چاپ‌کننده این کتاب، در مقدمه مجلد اول این کتاب نوشته است: عده بسیاری از مسلمانان هستند که در اثر پیش‌آمدهای زندگی نتوانسته‌اند معلومات دینی کافی اکتساب کنند و روی این اصل مقلد مجتهدین بزرگ گریده‌اند، ولی میل دارند علاوه بر این، اصل و ریشه مسائل را نیز بدانند... اما از آنجا که وقت و موارد خاص زندگی آنها اجازه نمی‌دهد که تحصیلات دینی کافی انجام دهند، می‌خواهند از طرف مجتهدینی که به معلومات آنان اطمینان کافی حاصل است، کتبی نوشته شود که مسائل دینی یافته اسلامی را با ذکر مدارک گوشزد نماید و چون در رساله‌ها این منظور عملی نشده و به علاوه چنین کتبی کمتر در عالم اسلام نگارش یافته است، همه تشنه و مشتاق آن هستند.

عنوانی که مرحوم کمره‌ای بر این کتاب سه جلدی گذاشت، چنین بود: «فقه فارسی با مدارک، فروع دین و نصوص احکام».

مجلد اول آن در باب نجاسات و مطهرات است که در ابتدای آن اجازات علمی مؤلف از مراجع وقت نجف و قم و اصفهان درج شده است. این مجلد شامل ۱۴۴ صفحه است. مجلد دوم این کتاب شامل مباحث کتاب صلات تا خمس است که در ۳۹۲ صفحه چاپ شده و تاریخ اتمام نگارش آن ۱۳ بهمن ۱۳۲۲ ش (هفتم صفر ۱۳۶۳) می‌باشد. مجلد سوم آن ویژه حج و عنوانش رهنمای حج است. عنوانی که روی صفحه نخست کتاب آمده و به جز کلمه رهنمای حج بقیه شرح محتوای آن، چنین است: رهنمای حج و مناسک مفصل به ضمیمه تاریخ و جغرافیای مکه معظمه و مدینه طیبه و مسائل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و تولی

وتبری، جلد سوم، فقه فارسی با مدارک فروع دین و نصوص با مدارک فروع دین و نصوص احکام تألیف اعلم الفقهاء و المجتهدین آیه الله کمرئی، نشریه فوق العاده انجمن تبلیغات اسلامی با شرکت آقای نوربانی مدیر روزنامه آئین اسلام. بهاء ۶۵ ریال و با جلد مرغوب ۸۰ ریال. چاپخانه سروش.

این کتاب در ۲۷۲ صفحه در تاریخ حرمین و فقه حج است و در نوع خود، آن هم در آغاز دوره احیای دینداری در ایران، کاری بکر و بدیع بوده است. نقشه ها و تصاویر چندی هم درباره اماکن مقدسه در این کتاب آمده است. نوربانی مدیر نشریه آئین اسلام بود و آشکار است که نوعی همکاری و هماهنگی میان عناصر مذهبی و اندیشمندان دینی این دوره وجود داشته است.

همکاری کمره‌ای با مطبوعات دینی

اگر قرار باشد فهرستی از مقالات ایشان در مطبوعات دینی دهه بیست و سی گردآوری شود، لیست بلند بالایی خواهد بود. عمده این مقالات در دهه بیست در آئین اسلام است که ژیش از این همه اشاراتی به آن داشتیم. وی مقالات و سرمقاله‌هایی هم برای نشریه حیات مسلمین که متعلق به مصطفی رهنما بود می‌نوشت. وی همچنین از همکاران نزدیک مرحوم حاج سراج انصاری بود و ما به دفعات نام وی را در مجله مسلمین با مدیریت مرحوم انصاری ملاحظه می‌کنیم. ارائه این لیست، می‌بایست به وقت دیگری موکول شود و با جستجو در مطبوعات دینی نام مقالات وی اعم از تألیف و ترجمه به دست آید.

علاوه بر مطبوعات، وی در مجالس مذهبی هم که توسط انجمن تبلیغات اسلامی یا مؤسسات اسلامی دیگر برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد. از جمله در جشن مبعث در سال ۱۳۲۳ که با حضور سید هبه الدین شهرستانی در تهران برگزار شد، محمدعلی خلیلی و سپس محمد باقر کمره‌ای سخنرانی کردند. (۱۳)

وی در این سالها تشکلی هم به عنوان هیئت روحانی منتظم درست کرد و بیانیه‌هایی از طرف آن در مجله آئین اسلام به چاپ رساند. (۱۴)

مقالاتی هم در همان نشریه تحت عنوان قرآن و تبلیغات از وی منتشر شد.

کتاب «هدیه عید نوروز یا عروس مدینه»

یک کتاب داستانی با عنوان بالا که به صورت نمایشنامه نوشته شده از آقای کمره‌ای در دست است که مع

الاسف تاریخ چاپ ندارد. روی جلد این مطالب (این همه) آمده است:

مبارزه اسلام با یهود.

تبریک عید سعید

بادت بهشت نوید

شکر شکن سخنی است

دریاب «هدیه عید»

جوانان و دوشیزگان بیشتر بخوانند

هدیه عید نوروز یا عروس مدینه

یک نمونه از فداکاری و شجاعت در اسلام.

به قلم توانای آقای کمره‌ای

قیمت ده ریال.

کتاب شرح چند پرده نمایش و جمعا در ۶۷ صفحه تنظیم شده است. این اثر را باید یکی از نخستین

متن‌های نمایشی دینی در دوره جدید دانست. کتاب به کوشش سید حسن موسوی خادم و حسین عاصی

تهرانی چاپ شده و این دو مقدمه‌ای هم با عنوان تذکری به جوانان روشنفکر و اصلاح طلب در دو صفحه

نوشته اند. این دو از شاگردان مرحوم کمره‌ای بوده‌اند که نامشان را روی آثار دیگر وی هم ملاحظه می‌کنیم. این کتاب باید پیش از سال ۱۳۷۱ ق که در آن سال خصال شیخ صدوق با ترجمه کمره‌ای چاپ شده، منتشر شده باشد، زیرا در صفحه پایانی کتاب حاضر به انتشار آن نوید داده شده است.

کمره‌ای و ترجمه آثار شیخ صدوق

ترجمه متون کهن حدیثی شیعه، یکی از زمینه‌های اصلی کارهای علمی مرحوم کمره‌ای بوده و در این باره چندین اثر مهم از شیخ صدوق را به فارسی ترجمه کرده است. این ترجمه‌ها بیشتر پس از سال ۱۳۳۳ ش است.

کتاب خصال با ترجمه و شرح فارسی آقای کمره‌ای به عنوان سومین نشریه مدرسه حضرت عبدالعظیم (ع) در سال ۱۳۷۵ - ۱۳۷۱ ق (توسط کتابفروشی اسلامیة) چاپ شده است. امالی صدوق هم با ترجمه شیوا و ساده آیت الله کمره‌ای - عنوانی که روی جلد آن آمده - از دیگر کارهای ارزشمند وی است که قاعدتا در همین دهه سی به چاپ رسیده است. وی در مقدمه، شرحی از روزگاری که در خدمت آیت الله مسجد شاهی در اصفهان بوده (سال ۱۳۰۷ ش) به دست داده است.

کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق هم با ترجمه مرحوم کمره‌ای و توسط انتشارات اسلامیة به سال ۱۳۷۸ ق (۱۶ تاریخ انتهای مقدمه ۲، ۱۳۳۸. ش) در دو مجلد به چاپ رسیده است. مقدمه هفتاد صفحه‌ای این اثر یکی از نوشته‌های با ارزش کمره‌ای است که ضمن آن، افزون بر ارائه نگرشی به تاریخ اسلام، در باره موضوع کتاب یعنی مهدویت و نیز زندگی و زمانه شیخ صدوق مطالب سودمندی ارائه کرده است. یکی از مباحثی که وی طرح کرده طرح نقش تحقق حکومت اسلامی بر اساس مطالبی است که در روایت مهدویت در باره یک حکومت ایده آل ارائه شده است. عنوانی که وی به این بخش داده چنین است:

ترکیب نقشه اصلاح کتاب و سنت در تجدید حکومت اسلامی. (۱۵)

کمره‌ای همچنین ده مجلد از بحار الانوار را شامل مجلدات «السماء و العالم» با عنوان آسمان و جهان ترجمه کرده است.

از دیگر ترجمه‌های مرحوم کمره‌ای ترجمه کتاب نفس المهموم و نفثه المصدور از مرحوم حاج شیخ عباس قمی است که مقتل امام حسین (ع) است. این اثر هم توسط کتابفروشی اسلامیة در سال ۱۳۷۹ ق (۱۳۳۹ش) به چاپ رسیده است. گویا مترجم نام این ترجمه را رموز الشهاده گذاشته و اخیراً با نام در کربلا چه گذشت به چاپ رسیده است. مرحوم کمره‌ای کتاب الغارات ابواسحاق ثقفی (م ۲۸۳) را هم به فارسی درآورد که در سال ۱۳۵۶ ش توسط فرهنگ اسلام در تهران به چاپ رسید. یکی دیگر از ترجمه‌های معروف مرحوم کمره‌ای ترجمه کتاب اصول کافی است که در چهار مجلد شامل متن عربی با ترجمه فارسی است.

دو کتاب «کانون حکمت قرآن» و «کانون عفت قرآن»

کتاب کانون حکمت قرآن تفسیر سوره لقمان است که وی برای برخی از شاگردان خود که نامشان هم روی صفحه اول کتاب آمده، یعنی ابوالقاسم کریمی و حسن موسوی خادم و آقای حسین عاصی ارائه می‌کرده است. روی همین صفحه نخست آمده است: به هزینه جمعی از مسلمین و علاقمندان شاه عبدالعظیم. در مقدمه این اثر، مطالبی هم در باره روحانیت و اصلاح وضعیت آن آمده و گفته شده است که ما در سال ۱۳۲۱ نشریه‌ای با عنوان دستور اتحاد روحانیین چاپ کردیم و این مطالب را در آن گفتیم. سپس می‌افزاید: خلاصه این نشریه تمرکز بودجه و تزویج آن بر مشاغل از روی یک اساسنامه منظم بود. روی این زمینه روحانیت یک اداره منظمی می‌شود که تمام افراد آن به عنوان کارمند حقوقی می‌توانند به انجام وظایف مربوطه خود قیام کنند (کانون حکمت قرآن، ص ۱۷۳).

مقدمه یاد شده که در سال ۱۳۲۳ ش نوشته شده است به تفصیل بحث از احیای دین را در عصر جدید دنبال کرده، روی نقش روحانیتی که دقیقاً با مبانی دین آشنا بوده و گرفتار مشکلی نباشد، تأکید کرده است.

وی در باره برخی از به اصطلاح مبلغان دینی، یعنی دوره -گردهای قرآن خوان یا کسانی از پهلوانان زورخانه ها که قرآن را روی بازوی خود می -بندند با تندی یاد کرده می نویسد: آنها از گدایان کوچک نشین و دوره گرد که قرآن را با وضع ننگین حمایل کرده یا روی دست گرفته و گاهی آواز خود را با لهجه درست یا غلط و نغمه خوب یا منکر به تلاوت آن بلند می کنند، شروع می شوند و دسته قرائت خوانان مجلس فاتحه و سر قبور و دنبال اینها دسته ای داش های زورخانه و پهلوان یزدیها (که قرآن های کوچک را روی بازوها می -بندند) دنبال آنها بچه های نُنر و عزیز مادر که برای حفظ و حراست مامان جاننش برایش خریده دنبال اینها مطبوعه چی ها و کتابفروش ها و... تا برسد به بنگاه های رادیوی دول جنگجو و محارب ... همگی علم قرآن را به سینه می زنند و در شمع قرآن می چرخند، ولی نه دیده ای دارند که از نور قرآن استفاده کنند و... (۱۶) #

وی در این مقدمه مفصل برای ارائه یک نمونه مبلغ خوب یا به قول خودش نابغه عصر شروع به بیان شرح حال زندگی سید جمال الدین اسدآبادی می کند که به نوشته وی « یکی از ستارگان تاریخ با عظمت قرآن است». این بحث که در حدود سی صفحه به طول می انجامد شرحی از زندگی سید جمال و مسائل دوران اوست که وی بیان کرده و در پایان خود را ادامه دهنده برنامه ها و طرح های او می داند. یکی از آن طرح ها ارائه یک تفسیر خوب و زنده از قرآن است که نمونه اش همین تفسیر سوره لقمان است.

کتاب کانون عفت که تفسیر سوره یوسف است و در قالب ۸۴ جلسه تدریس و سپس تدوین و ضمن ۲۸۵ صفحه به چاپ رسیده، گویا مجلدی بعدی کتاب کانون حکمت می باشد. روی جلد آن نوشته شده است: دهمین نشریه مدرسه سیار حضرت عبدالعظیم (ع) و در چاپخانه موسوی تهران چاپ شده که البته سال چاپ آن در جایی از کتاب نیامده است. نویسنده در مقدمه شرح داده است که مدت ها این متن آماده بود، اما وسائل طبع و نشر آن فراهم نبود تا آن که آقای سید ابوالقاسم کریمی فرزند مرحوم سید محمدتقی صدر المحدثین همّت کرده آن را به چاپ رسانده است.

فعالیت های سیاسی کمره ای در نهضت ملی

علی القاعده، کمره‌ای باید وی یکی از روحانیون فعال در جریان رخدادهای نهضت ملی باشد. تا این زمان که این مطلب را می نویسم، از چند مورد این فعالیت‌ها آگاهم. یکی اشاره‌ای است که خود وی به قانون اصلاح انتخابات توسط دکتر مصدق و موضعگیری خودش با انتشار یک بیانیه در قبال آن دارد که شرح آن ذیلا خواهد آمد. دیگری رساله‌ای است در ۳۲ صفحه با عنوان رساله انتخابات. (۱۷)

این رساله که تاریخی در ابتدا و انتهای آن نیست، می‌تواند مربوط به انتخابات مجلس هفدهم باشد که گویا وی برای مجلس کاندیدا شده است. در نخستین عبارت آن چنین می‌خوانیم: «بنده هیچ طمع و رغبتی در وکالت نداشته و ندارم، زیرا آن کسانی که با افکار و نوشته‌های من بنده آشنا هستند، مرا بسیار بزرگتر از یک وکیل می‌شناسند». به نظر وی کسی شایسته وکیل شدن است که مردم دنبالش بیایند، نه آن که خود دنبالش آن بدود: « کسانی که به تک و دو می‌افتند و با بند و بست‌های نامشروع و به وسیله زور و زر و فریب وکیل می‌شوند یا زبانم لال به توسط بیگانگان، که چه عرض کنم؟».

وی سپس از این عناوین سخن گفته است:

منظور از انتخابات، تشکیل حکومت ملی است. آزادی در اجتماع، تشکیلات در حکومت ملی (در اینجا از لزوم وجود سازمان‌ها و تشکیلات در یک حکومت ملی سخن می‌گوید). انقلاب مشروطیت. کودتای ۱۲۹۹ (وی می‌نویسد: این کودتا با همه عیوبی که داشت حسن اثرش این بود که حکومت ایران را از غلاف کهنه و صخیم شاهزادگان و خاکهای وابسته بیرون کشیده و در محیط عمومی ملت آورد. وی مشکل عمده این دوره را برای تحقق سازمان قانونی، که در پی مشروطه پدید آمده بود، شرکت نفت انگلیس و اخلال بیگانگان می‌داند). انقلاب سوم (که این بار باید با انتخابات فراهم شود).

کناره‌گیری و نفاق دو پهلو (در اینجا از قاعدین سخن می‌گوید).

علت اصلی کناره‌گیری. جلب نفع شخصی. رل نفاق دو پهلو بازی می‌کند.

نفوذ خوانین و عمده ملاکین. (در اینجا از اقدام مالکین برای آوردن مردم بر سر صندوقها انتقاد شده و می‌نویسد: راستی چه لذتی دارد که انسان در یک محیط گوسفندی زندگی کند و مثل گرگ خود را بر جان و عقیده یک مشت مردم نادان فرمانروا داند. وی این بحث را مفصل‌تر از سایر مباحث آورده است.)

رأی فروشی. (در اینجا ضمن بحث در باره آیت الله کاشانی می‌نویسد: کوشش آیت الله کاشانی در انتخابات دوره پانزدهم منجر به گرفتاری ایشان و همراهان گردید. بنده شرف مصاحبت ایشان را داشتم و در این سفر بیشتر به حُسن نیت و ثبات قدم و دلسوزی وی برای ملت و کشور پی بردم و تا مدتی که در زندان با ایشان همراه بودم، از روی جوش و خروش می‌فرمودند تقصیر من چه بوده است که با این وضع فجیع مرا گرفتار و زندانی کرده‌اند). مداخله دولت وقت.

فصل دوم: پایه‌های حکومت ملی و اصلاحات پارلمانی:

واحدهای اجتماعی و احزاب (در اینجا شرحی از اهمیت وجود احزاب در نظام پارلمانی به دست داده است).
پیش قراولان انتخابات (در اینجا از شرایط یک وکیل سخن گفته است).

مبارزات معقول انتخابات. اعلام خطر و انقلاب سوم.

اینها عناوینی است که در این رساله انتخاباتی آمده است.

در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد، علی القاعده کمره‌ای مانند بسیاری دیگر در لاک خود خزیده و صرفاً به کار ترجمه متون دینی پرداخته است. همان گونه که گذشت امالی و خصال و کمال الدین صدوق و تعدادی دیگر در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۳۳۸ ترجمه و نشر شده‌اند. آخرین کار علمی - سیاسی وی که در آغاز شروع جریان اصلاحات در سال پایانی دهه سی بوده، مقالاتی است که در باره شرکت بانوان در انتخابات نوشته و شرح آن در ادامه آمده است.

نکته دیگر در باره فعالیت‌های وی در جریان نهضت ملی، شرکت او در کنفرانس صلح وین در سال ۱۳۳۱ است که متمایلان به جنبش چپ به آن روی خوش نشان دادند. در این کنفرانس یک روحانی دیگر با نام

علی اکبر برقعی هم شرکت کرد که سبب برهم ریختن موقعیت وی در قم و تبعید او از این شهر با توصیه آیت الله بروجردی شد. این کنفرانس قرار بود در سال ۱۳۳۹ نیز تشکیل شود که نشد. کمره‌ای که در این سال، مقالاتی در این باب در نشریه تجدد نوشته بود، آنها را در جزوه‌ای فراهم آورد و تصویری از خود را در حال سخنرانی در کنفرانس قبلی، در ابتدا و انتهای آن درج کرد. وی در مقدمه می‌نویسد: «من در کمیته تدارک شرکت در این کنگره جهانی به عنوان یک مفرد و صاحب نظر در امر صلح جهانی شرکت کردم. اظهار صلح-جویان و پرمعنای من اعضای این هیئت تدارک را به خود جلب کرده بود و من در سال ۱۳۳۱ در کنگره جهانی صلح وین شرکت کردم، فعالیت صادقانه و افکار درست و عمیق من در این کنگره متشکل از ۸۵ ملت جهان تأثیر بسزائی کرد و در نتیجه،

۱. مرا به عنوان چهارمین شخصیت آسیا و هفتمین شخصیت جهان معرفی کردند.

۲. مرا به عضویت شورای جهانی صلح مفتخر ساختند».

این مقالات همگی در باره کنفرانس عالی صلح و اهمیت آن در تأمین صلح جهانی است. متن این مقالات به هیچ روی جنبه مذهبی ندارد و صرفاً از زاویه دید سیاسی به مسأله صلح پرداخته شده است. تاریخ انتشار مقالاتی که در این کتابچه آمده از ۲۵ فروردین ماه ۳۹ تا تیرماه ۱۳۴۰ می‌باشد.

کمره‌ای در کنار انقلاب سفید، برابر نهضت روحانیت

زمزمه اصلاحات از زمان روی کار آمدن دولت امینی آغاز شد و مطبوعات هم به آرامی عرصه‌ای را برای طرح برخی از این مباحث باز کردند. کمره‌ای سلسله مقالاتی در جریده تجدد (آذر ماه ۱۳۳۹) در باره جواز بلکه لزوم رأی دادن بانوان نوشت و این نشان می‌داد که در این باره افکار خاصی در سر دارد. اندکی بعد، زمانی که شاه به امریکایی‌ها تعهد داد که خوداین اصلاحات را انجام دهد، امینی کنار گذاشته شد.

این نکته جالب بود که کمره‌ای، همشهری و همدرس امام خمینی بود و قاعدتا در جریان شروع نهضت روحانیت، می‌توانست با توجه به سوابقی که در مسائل فکری - سیاسی داشت به عنوان یکی از ارکان نهضت اسلامی درآید، اما به عکس، در این مرحله به دفاع از انقلاب سفید پرداخت و تلاش کرد تا با زبان و قلم آن را توجیه دینی کند. بنا به نقل آقای مسعودی، امام هم از این بابت اظهار تأسف می‌کرد. (۱۸)

این که چگونه وی از میان آن هم روحانی و با وجود اختلاف عمیق روحانیت و مرجعیت با دستگاه پهلوی، وی در کنار دربار قرار گرفت و در برابر نهضت، امری است شگفت که باید تأمل بیشتری در آن کرد.

دفاع از لویج شاه در عین حال که می‌توانست زمینه‌ای در روشنفکری دینی کمره‌ای داشته باشد، اما در آن شرایط، از یک روحانی با سابقه‌ای مانند کمره‌ای پذیرفتنی به نظر نمی‌رسید و به تعبیر دیگر شگفت بود. کمره‌ای در دفاع تا آنجا پیش رفت که یک سخنرانی درباره انقلاب سفید کرد که از رادیو پخش شد. این امر سبب شد تا وی از سوی روحانیون انقلابی به شدت طرد شد و حتی چنان که ادعا شده است یک بار هم از دست برخی از جوانان انقلابی کتک بخورد. (۱۹)

اما مهم تر از سخنرانی آن بود که کتابچه‌ای درباره انقلاب ششم بهمن نوشت با این عنوان: دفاع از حق ملت مسلمان ایران تألیف: حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای. در صفحه نخست این آیت قرآنی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»؛ جوهر فرمان خدا عدالت و احسان است. سپس افزوده شده است: ما اکثریت قاطع ملت ایران به پیشنهاد شش ماده‌ای اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی رأی دادیم و با ایمان سرشاری از آن دفاع می‌کنیم.

این عبارت هم پایین همان صفحه اول آمده است: تنها این یک بحث علمی و فقهی است. هر مجتهدی اعتراض منطقی و معقول دارد بنویسد و یا تأیید داری بنویسد. اعتراض یا جواب با تسلیم بدان و عین تأیید در چاپ دوم منعکس می‌شود ان شاء الله. نشانی: شهر ری، محمد باقر کمره‌ای.

وی پس از یک مقدمه کوتاه درباره لزوم عدالت و اهمیت آن، ضرورت تشریح درست اصول شش گانه را طرح کرده و بنای بحث را بر آن نهاده است که به صورت ماده ماده آن اصول را مطرح و توضیحاتی از دید اسلام

بدهد. در واقع، همان طور که در مقدمه آمده، مقصود از این نوشته آن است که روشن شود آیا آن شش ماده پیشنهادی با دیانت رسمی اسلام و مذهب جعفری که در قانون اساسی مذهب رسمی کشور قید شده است، موافقت دارد یا نه؟

نخستین ماده، اصلاحات ارضی است. از نظر وی این که کشاورزان دارای زمین باشند، مصداق روشن عدالت است و در این حرفی نیست؛ اما این که مالکان ناراضی‌اند و از این معامله کراهت دارند، از نظر وی اولاً بهتر این است که کراهت نداشته باشند. در مرحله بعد کمره‌ای با پذیرفتن این که کراهت دارند تلاش می‌کند تا ثابت نماید کراهت آنها مانع صحت این معامله یعنی خرید زمین‌های آنان و فروش آن به کشاورزان نیست. اما این که چرا کراهت مانع صحت معامله نیست برای این که این مالکان تابعیت ایران را دارند و هر قانونی که دولت ایران وضع کند، باید بپذیرند: تعهد تابعیت به همین معنی است که ملتزم شدید بهر قانونی که حکومت ایران وضع کند، برای کاری که در اختیار شماست... (ص ۱۰). در این صورت، مردم باید قانون دولت را بپذیرند.

راه دیگر اثبات عدم تأثیر کراهت مالکان در صحت معامله، تقدّم حقوق عمومی بر حقوق شخصی است. به نظر وی تا به امروز، حقوق خصوصی مالکان عمده با حقوق عموم مردم و حق کشور مزاحمت آشکار نداشته ... اما امروز وضع به جایی رسیده که اگر حقوق عمومی مردم رعایت نشود، ملت و کشوری بر جای نمی‌ماند (ص ۱۸). وی در این بحث بارها از مالکان خواهش

می‌کند که با کمال رضایت و اشتیاق به اجرای این قانون کمک نمایند.

ماده دوم، فروش کارخانجات است که هدف آن تهیه پول برای خرید زمین مالکان و واگذاری آن به کشاورزان است. در این هم ایرادی نیست.

ماده سوم شرکت کارگران در سود خالص کارخانجات است. خوب «از نظر خدا چه کاری از این محبوب‌تر است که سهمی از خود کارخانه یا درآمدش به کارگرانی که نوعاً مستحق هستند، پرداخت شود؟» (ص ۲۳).

ماده چهارم ملی شدن جنگلهاست که وضع آن در فقه شیعه روشن است.

ماده پنجم اصلاح قانون انتخابات است. وی بحث را با اشاره به لایحه اصلاح قانون انتخابات دکتر مصدق آغاز می‌کند. دکتر مصدق در آن لایحه گفته بود که فقط افراد با سواد حق رأی داشته باشند. کمره‌ای می‌نویسد: پس از انتشار آن، من بیانیه‌ای در انتقاد از آن منتشر کردم که خلاصه‌اش این بود. مجلس شورای ملی باید اساس یک حکومت ملی باشد. حکومت ملی، فشرده هرچه بیشتر آرای مردم کشور است که به وسیله نمایندگان خود در مجلس منعکس می‌شود. کشوری که نیمی از مردمش که بانوان هستند حق رأی ندارند، اگر رأی منحصر به همان باسوادها باشد، در صورتی که صدی هشتاد و پنج مردم کشور بی‌سوادند و عده سواددار هم بیشتر همان اعیان و اشرافند، حکومتی که در نتیجه آن به وجود آید یک حکومت اشرافی است با زشت‌ترین وجهی؛ و به حق باید این قانون را قانون فساد انتخابات نامید. کمره‌ای می‌افزاید، خوشبختانه آن قانون تصویب نشد.

اما آنچه در لوایح جدید تازگی دارد حق رأی برای زنان است که به نظر وی امری درست و صحیح است. در این باره استدلالی که کمره‌ای دارد این است که دو تصور از مجلس درازهان هست: یکی تسلط سیاسی و دیگری وکالت از طرف مردم برای تصرف در مسائلی که متعلق به خود مردم است. به نظر وی، کار مجلس، همین وکالت در اموال و اموری است که متعلق به مردم و ملک آنان است و آنان نمایندگان را برای تصرف در این اموال وکیل کرده‌اند. در این صورت، همان طور که مرد مالک است زن هم مالک است و بر اساس قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» است شامل زن و مرد می‌شود و بنابراین چرا باید نمایندگان، وکلای مردها باشند اما وکلای زنان نباشند؟ به اعتقاد وی: انتخاب وکیل در ماهیت خود بیشتر جنبه حقوقی دارد تا جنبه سیاسی و حقیقت آن اجراء و تدبیر و تسلط هر فردی است در حال و مال خود و هر فردی باید در آن صاحب نظر باشد و زنان هم این حق را به فطرت و وجدان وقوانین کلی اسلامی دارند (ص ۳۰). به علاوه دلیل داریم که زنان در بیعت عقبه گُبری حضور داشته‌اند؛ چنان که زنان در بیعت غدیر هم بودند. وی بعد از آن، شرحی هم در باره حضور زنان در عرصه‌های مختلف از جمله پشت جبهه‌های جنگ پیامبر(ص) به دست داده است. بعد هم می‌گوید که او سلسله مقالاتی درباره جواز بلکه لزوم شرکت بانوان در انتخابات

نوشته که در نشریه تجدد شماره‌های ۱۲ تا ۱۲۷ منتشره از ۱۷ آذر سال ۱۳۳۹ به بعد نوشته که هر کس بخواهد می‌تواند به آن مراجعه کند.

ماده ششم تشکیل سپاه دانش است. وضعیت این ماده هم البته از نظر اسلام روشن است.

کمره‌ای در پایان می‌گوید که در تأیید آنچه گذشت یک تأیید غیبی هم رسید و آن این که در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ که کنگره نمایندگان دهقانان در تهران تشکیل شد، ایشان مشغول خواندن قرآن بوده که یک مرتبه به این آیات از سوره نجم رسیده است: «آیا آگاه نشده است بدانچه در صحف موسی است و در صحف ابراهیم با وفاست که هیچ کس گناه دیگری بدوش ندارد؛ راستش این است که از آن انسان نیست مگر آنچه کوشش کرده» «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». آقای کمره‌ای اندکی بعد استخاره می‌کند که باز آیه ۵۷ سوره یونس می‌آید: «آیا مردم برای شما آمده است پندی از پروردگار شما و درمانی برای آنچه در سینه دارید و هدایت و رحمت از برای مومنان».

این استخاره سبب می‌شود آقای کمره‌ای برای مشارکت در کنگره نمایندگان دهقانان از جای خود حرکت کند. وقتی به آنجا می‌رسد که بسیار شلوغ بوده و کارت ورود برای او نمانده است و ناچار بر می‌گردد. عصر آن روز به دبیرخانه کنگره می‌رود و برای روز سوم وقت گرفته، ضمن سخنرانی کوتاهی همین آیات را می‌خواند و «چند کلمه‌ای در تأیید کنگره و تشکر از بانیان آن به عرض حضار محترم» می‌رساند. (۲۰)

عنوان بعدی وی در این کتابچه این است که: «چه انتظار می‌رفت». وی در ذیل این عنوان، با شرح این که اوضاع مملکت وقتی بهبود می‌یابد که به آرای عمومی توجه شود و مردم خود سرنوشت خویش را در دست گیرند، می‌نویسد، اعلیحضرت همایونی به نقیصه توجه کرده «رجوع به آرای عمومی را پی ریزی کردند». سپس می‌افزاید، من ششم بهمن در شهر ری بودم و دیدم که هیچ گونه تحمیل و اکراهی در جلب مردم به پای صندوق‌های رأی به چشم نمی‌خورد. (ص ۴۹) وی گزارشی هم از سفر خمین خود می‌دهد که در آنجا نیز چنین بود و «از اینجاست که ما می‌گوییم اکثریت قاطع و قریب به اتفاق مردم کشور روی این شش ماده رأی داده اند».

اما عنوان «برخلاف انتظار» اشاره به مخالفت‌هاست که یک دسته، شعار اعتراضاتی به‌عنوان سم پاشی دادند و اعتراض کردند که چرا شاه به آرای عمومی مراجعه کرده است. کمره‌ای در اینجا باز هم به سیره نبوی استناد می‌کند که در حدیبیه هم که مشکلاتی در باره برخی مسائل پیش آمد، پیامبر (ص) دست به تجدید بیعت زد و به آرای عمومی مراجعه کرد! گونه‌ای دیگر از اعتراضات جنبه مذهبی پیدا کرده و «از طرف برخی از علما گفته می‌شود و بسا به صورت اعلامیه منتشر می‌گردد و به برخی فقها نسبت داده می‌شود». ایشان می‌گویند که من از لحاظ دینی در این باره شرح دادم و البته «بحث و اظهار نظر علمی و فقهی از اشخاص شایسته و مطلع و فقیه آزاد است و همیشه در تاریخ اسلام نظرهای اجتهادی مختلف و متضاد وجود داشته؛ عقیده، خصوص عقیده علمی آزاد و محترم است؛ ولی نباید عقیده علمی را لکه‌دار کرد و ملعبه عوام و مغرضان نمود و به صورت اسلحه بر ضد حکومت وقت و خواست ملتی به کار برد» (ص ۵۲).

این کتابچه ۵۳ صفحه‌ای با چند پرسش تمام می‌شود که: آیا صحیح است دل‌پانزده‌شانزده میلیون زارع و کارگر را از اسلام دور کنیم؟ آیا صحیح است که ما دل‌همه زنان دنیای امروز را از اسلام دور کنیم، برای یک توهمات و شبهه‌هایی؟ تاریخ ختم آن فروردین ماه ۱۳۴۲ خورشیدی است.

نگارش چنین رساله‌ای از یک عالم شناخته شده که تجربه تاریخی دو دهه را در عرصه فعالیت‌های رهنگی و مذهبی داشت و در عین حال به لحاظ سنتی هم با مبانی آشنا بود، یک پدیده شگفت به حساب می‌آید. بدون تردید باید ابراز کرد وی از سیاست‌های پشت پرده لویح شاه و دخالت امریکایی‌ها و اهدافشان آگاهی نداشته و تنها کوشیده است آنچه در ظاهر امر می‌بیند با داشته‌های علمی خود تطبیق داده، با گونه‌ای خاص از مصلحت‌اندیشی بحث را به جایی که می‌خواسته است، سوق دهد.

رژیم شاهی مایه تباهی - تأیید جمهوری اسلامی

قاعدتا می‌بایست کمره‌ای پس از نوشتن رساله دفاعیه‌اش از لویح ششگانه شاه در آغاز سال ۴۱ در میان روحانیون منزوی شده باشد. در حال حاضر من اطلاعی از زندگی پانزده ساله وی تا سال ۵۷ ندارم. اما

رساله‌ای که از این اواخر یافتیم، آن هم با عنوان بالا، در تاریخ دهم دی ماه سال ۱۳۵۷ (۲ صفر ۱۳۹۹ و شاید اندکی بعد زیرا مطالبی از اسفند سال ۵۷ هم در آن دیده می‌شود) چاپ شده است. این رساله در ۴۸ صفحه، دادخواستی علیه رژیم سلطنتی خاصه رژیم پهلوی است. وی در مقدمه نوشته است: از نزدیک مرز هشتاد سال عمر نگرانم، از این که درباره سیاست و امور کشور و ملت چیزی بنگارم، زیرا کسی که به پایان هفتاد سال عمر رسد، او را در مجلس شوری برای اظهار نظر و همفکری راهی نیست تا چه رسد که بخواهد تنها برای امور سیاسی کشوری رأی و نظری اظهار کند؛ با این که بیماری درازی هم او را کاسته و خسته کرده باشد. ولی شوریدگی وضع عمومی که برای هر کس مایه نگرانی است، مرا به نگارش این رساله مختصر وادار کرد و امید است جوانان صاحب نظر آن را بخوانند و ببینند.

کمره‌ای بحث را با پادشاهی هخامنشیان آغاز کرده و اساس آن را بر دروغ و تزویر می‌داند و در این باره شرحی طولانی ارائه می‌کند: «در رسوایی نظام شاهنشاهی دوران باستان و پر عظمت ایران، داستان استر - که شرحش را آورده - بسیار آموزنده است و می‌رساند که چه اندازه تباهی و فساد دارد و چگونه برای یک هوسبازی، دچار فرمان‌های غیرقانونی و احمقانه شد و با دست خود ریشه این حکومت پهناور را کرم کرد.» وی در ادامه شرحی از مفساد دولت ساسانی را هم به خصوص از زبان مسعودی آورده و مطالبی در باره مزدک و قباد و انوشیروان و قتل عام پیروان مزدک نقل کرده است: «کشتار شاهان ساسانی از نابغه‌های ایرانی چون مانی و مزدک و سرکوبی از نهضت‌های ملی خواستار دموکراسی و قتل عام انوشیروان از مردانی نمونه چون و هرز و یارانش و قتل عام خسرو پرویز از حکما و دانشمندانی که رهبرشان بزرگمهر بود، ایران گسترده و پیشرفته آن روز را از اهل فضیلت و فکر تهی کرد و نکیسا پرورد تا در برابر یورش قشون عرب از هم درید و تار و مار شد و نابودگردید و پس از خون و خوی یهودی و یونانی، خون و خوی عربی هم در ملت و کشور ایران نفوذ کرد» (ص ۲۹).

وی در ادامه از فتح ایران توسط اعراب سخن گفته، در عین دفاع از اسلام، بر عرب‌ها و امویان می‌تازد. دولت‌های بعدی هم حملات خویش را به دانشمندان بنامی چون فارابی‌ها و ابن سیناها و محمد بن زکریاها و حلاج‌ها ادامه دادند تا آن که شاه اسماعیل قیام مردانه‌ای کرد و ایرانی پهناور پدید آمد. به هر حال آن چنان

که وی نوشته «نتیجه این بررسی تاریخی این است که رژیم شاهی از همان دوران باستان و در رهگذر هزارها سال گذشته، برای ملت ایران یمنی نداشته و مایه افتخار نبوده و نیست.» (ص ۳۱).

وی در صفحه ۳۳ با تیتراژ «در اینجا روی سخن با کارتر است» مطالبی را در باره انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها بیان کرده و در واقع نیم‌نگاهی به سابقه استعمار دارد. در صفحه ۴۰ با تیتراژ «حکومت اسلامی» بحث را ادامه داده و می‌نویسد: «امروزه سخن از حکومت اسلامی در میان است و مقصود از آن چیست؟ و الگوی آن را از کجا باید جست» وی به صورت سؤال می‌پرسد که آیا مقصود نظام سعودی است یا مصر یا یمن یا کجا؟ شاید هم مقصود حکومت اسلامی به سبک صدر اسلام باشد. وی با انتقاد از نگاه باستان‌گرایی در برخی از گرایش‌های جدید می‌نویسد: من از دیرباز قصد داشتم این باستان‌گرایی را رو در رو به شاه سابق بگویم ولی هرگز در عمر خود او را ندیدم».

در صفحه ضمیمه این رساله اشاره به دو مقاله منتشره در روزنامه آیندگان مورخه ۹ و ۱۷ اسفند علیه حکومت اسلامی کرده و مطالب آن مقاله را مخدوش می‌داند. وی می‌نویسد که پاسخی برابر آن برای آن روزنامه فرستاده که آن را چاپ نکرده است. در این شرح کوتاه برخی از اشتباهات نویسنده آن مقاله را یادآور شده و می‌گوید: حکومت اسلامی یک حکومت جمهوری است که تفسیر می‌شود به حکومت مردم بر خود و یا حکومت مردم بر مردم؛ زیرا مقرراتی که نمایندگان مردم به وکالت و نیابت از طرف آنها تصویب می‌کنند، همان خواست خود مردم است (ص ۴۷).

آخرین جمله در این رساله که سیاه و درشت نوشته شده این است: «رساله‌ای در پاسداری از انقلاب جمهوری اسلامی منتشر می‌شود».

نمی‌دانیم چنین چیزی منتشر شده است یا نه. مرحوم کمره‌ای در سال ۱۳۷۴ دار فانی را وداع گفت.

این مقاله را که تمام کردم و در عین حال به دنبال مطالب دیگری در باره کمره ای بودم کتابی با نام حدیث عارفان (تهران، ۱۳۸۳) دیدم که بخشی از آن شرح حال کمره ای و اقتباسی از نوشته های وی با مقالات و گفتارهای دیگر بود. این کتاب توسط اکبر کشاورز نوشته شده و حاوی برخی از مطالبی است که در این مقاله نیامده است. مهم ترین آن یک مصاحبه منتشر نشده از وی از سال ۱۳۴۱ است.

در عین حال مطالب زیادی را درباره او به حال خود رها کرده است.

عجالتا اشاره کنم که بر اساس آنچه در آن کتاب آمده درگذشت وی در ۵ محرم ۱۴۱۶ برابر با ۱۴ خرداد ۱۳۷۴ رخ داده است.

ان شاء الله متن کامل مقاله حاضر را در کتاب جریان ها و سازمان های مذهبی (چاپ ششم) درج خواهم کرد.

پانوشتها:

- ۱- بر اساس خبر روزنامه، مجلس سالگرد اول کمره ای در تاریخ ۱۴، ۳، ۱۳۷۵ در تهران برگزار شده است.
- ۲- در ذریعه (۸، ۲۹۲) نسبت او چنین آمده است: محمد باقر بن محمد بن محمد رضا بن علی اصغر کمره ای. همچنین در ذریعه (۲۵، ۲۲۹) از برادر وی با نام محمد حسن، خطیب، مشهور به شمس الاشراف یاد شده و آثاری مانند هفت اختر، سرود عشق و فکر درختان که گویا همه شعر است، از او دانسته شده است.
- ۳- بنگرید: مقدمه کتاب «تاریخ حسین بن علی (ع)» علائلی، از کمره ای، ج ۲، ص ۳ - ۴.
- ۴- خاطرات آیت الله مسعودی خمینی، ص ۱۲۴ آقای مسعودی در همان خاطرات مطالب دیگری در باره روحیات ایشان نقل کرده اند که طالبان می توانند به همان کتاب (صص ۱۲۵ - ۱۲۶) مراجعه کنند. نکته ای

هم به نقل از سید جعفر شهیدی آمده است که کمره‌ای کتاب «دو گنهکار» را نوشته که بسیار شگفت است. در فهرست کتابهای چاپی فارسی مشار، کتاب «دو گنهکار» از محمدعلی نصیری (تهران، ۱۳۲۶) دانسته شده است. و باز شگفت آن که بر اساس آنچه در ذریعه (۱۵۴، ۸) آمده کتاب دو گنهکار از محمدباقر کمره‌ای دانسته شده و عجیب آن که سال چاپ آن همان سال چاپ کتاب نصیری یعنی سال ۱۳۲۶ دانسته شده است. در آنچه گفته شده است که این اثر یک داستان اخلاقی به زبان فارسی است.

۵- نسخه چاپی آن در کتابخانه مسجد اعظم موجود است.

۶- دو جلد با هم صحافی شده و نسخه چاپی آن در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است. آقا بزرگ (ذریعه، ۸ . ۲۹۲).

۷- نوشته است: این کتاب در سه مجلد در نجف از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ چاپ شده است.

۸- نسخه چاپی در کتابخانه مرعشی موجود است.

۹- بنگرید به مقدمه چرندابی بر کتاب تاریخ امام حسین (ع)، ص ۵.

۱۰- تاریخ حسین بن علی (ع) ص ۲۵۴ #

۱۱- عنوان جلد اول با توضیحاتی که روی صفحه نخست آن آمده چنین است: روحانیت و اسلام، بخش نخستین: اسلام و جهان قرن بیستم، پیشنهاد صلح عمومی دائم؛ با این مقررات اسلامی آتش جنگ را تا همیشه خاموش کنید. نشریه چهاردهم انجمن تبلیغات اسلامی، فروردین ماه ۱۳۲۳، بهاء چهل ریال و با جلد زرکوب ۵۰ ریال. چاپخانه عالی.

۱۲- روحانیت و اسلام، بخش دوم از جلد اول، ص ۲۱۴.

۱۳- آیین اسلام، سال ۱۳۲۳، شماره ۲۰، ص ۳.

۱۴- آیین اسلام، شماره ۳۰، سال اول، ۱۳۲۳.

۱۵-مقدمه کمال الدین، ص ۶۰ ج ۶۳.

۱۶-کانون حکمت قرآن، ص یه.

۱۷-نام کامل کتاب این است: رساله انتخابات، اساس حکومت ملی. اصلاح مجلس شوری. اعلام خطر، انقلاب سوم. به قلم آیت الله محمدباقر کمره ای. بها دو ریال و نیم. طهران. چاپخانه عالی.

۱۸-خاطرات آیت الله مسعودی خمینی ، ص ۱۲۴.

۱۹-بنگرید مقدمه مقالات راشد، ص ۲۷ ج ۲۸.

۲۰-دفاع از حق ملت مسلمان ایران، ص ۴۷.

منبع: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران

مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۴